

تأثیرات شهری سازی بر معماری و مسکن روستایی

حسین بافکار

دبیر آموزش و پرورش ناحیه ۲ قم

چکیده

امروزه توسعه ارتباطات، به ویژه افزایش اتومبیل های شخصی، موجب تعامل هر چه بیشتر شهر و روستا شده است. یکی از نتایج این تعامل، الگوبرداری از مسکن شهری برای ساخت و ساز در روستاها از جمله روستاهای مناطق خشک است. این الگوبرداری که به گسترش فرهنگ شهری در روستاها می انجامد، گاه در روستاهای متمکن و گاه در سازمان های مسئول روستایی با هدف کاهش نابرابری های اجتماعی و اقتصادی موجود بین شهر و روستا و در جهت بهسازی و مقاوم سازی بافت های روستایی انجام می گیرد. اگرچه این الگوبرداری، مورفولوژی روستایی را به مورفولوژی شهری نزدیک می سازد، ولی در برخی موارد با شرایط جغرافیایی مسکن روستایی و ویژگی های فرهنگی و اقتصادی مردم روستایی سازگاری ندارد، در نتیجه روستایی و خانواده اش از زندگی در خانه های جدید شهری که باید محل کار و فعالیت های جنبی آن ها نیز باشد، احساس آرام و آسایش نمی کنند. همچنین با اینکه در پی تحولات اجتماعی در همه جوامع لزوم ساخت مسکن جدید احساس می شود، ولی هرگونه ساخت و ساز جدید در روستاها باید با لحاظ کردن شرایط جغرافیایی هر روستا و ویژگی های اجتماعی و اقتصادی مردم آن صورت گیرد، به طوری که روستایی بتواند در مسکن جدید نیز مانند گذشته زندگی کند و از آن ها به عنوان محیط کار و تولید بهره گیرد. این مقاله که به شیوه تالیفی - توصیفی نگاشته شده، بر آن است تا با مقایسه ویژگی های مسکن روستایی سنتی و جدید، تأثیر شهرگرایی بر مسکن روستایی مناطق خشک را بررسی کند و در حد بضاعت خود، راهکارهای لازم را برای رفع مشکلات موجود ارائه دهد.

کلیدواژه ها: روستا، شهرگرایی، مسکن روستایی، مناطق خشک

مقدمه

شهری سازی یا شهرگرایی در یک تعریف، روندی اجتماعی و

اقتصادی است که در آن شیوه زندگی، رفتار، عملکرد، اشکال ساختمانی و سایر مظاهر شهری در سکونتگاه های روستایی تقلید می شود (سعیدی، ۱۳۸۸: ۱۲۴)

شهری سازی می تواند با سازوکارهای مختلف ایجاد شود و اشکال گوناگون به خود بگیرد. از جمله ممکن است مردم شهری نواحی خاصی را برای زندگی انتخاب کنند که هنوز سیمای روستایی دارند و مجبور شوند برای کار، تعلیم و تربیت، پذیرایی، تفریح و دستیابی به خدمات اجتماعی به داخل شهر رفت و آمد کنند، یا به شکل پدیده «کارگر - دهقان» ظاهر شوند، به این معنا که اعضای خانواده کشاورز برای کار در شهر آمدوشد کنند، ولی هنوز بخشی از اوقات فراغت را به کار بر روی املاک خود اختصاص دهند (فشارکی، ۱۳۷۱: ۱۱۲).

البته این گونه شهری سازی از سال ها قبل در کشورهای توسعه یافته صنعتی آغاز شده است، به طوری که شکل نخست شهری سازی با افزایش مالکیت اتومبیل های شخصی و گسترش شبکه های ارتباطی از سال ۱۹۵۰ در انگلستان آغاز شد که موجب پراکندگی و نفوذ فرهنگ شهری در روستاها گردید. این روند روابط شهر و روستا را بسیار متحول کرد. میزان تحول به اندازه ای بود که روت گلاس^۲ می گوید: «روستا با روبات هایی از مسکن روستایی کاذب پوشانده شده و جلال یافته است. (فشارکی، ۱۳۷۱: ۱۱۲).

در ادامه روند شهری سازی در دهه های اخیر و در نتیجه تعامل بیشتر شهر و روستا، شاهد نوع دیگری از شهرگرایی در جهان هستیم. در این روند، هر روز بیش از گذشته شکل مسکن روستایی به سیمای مسکن شهری نزدیک تر می شود. در ایران نیز این فرایند با انجام فعالیت های عمرانی برای بهسازی بافت فیزیکی و کالبدی روستاها شدت گرفته است، به گونه ای که ساخت و ساز خانه ها و خیابان ها، معابر و میادین به تبعیت از مورفولوژی شهری انجام می گیرد. این ساخت و ساز در روستاهای کشور، گاه به دست

کارکرد اساسی سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان کانون‌های زیستی، برآوردن نیازهای اساسی زندگی است. مسکن‌گزینی، فعالیت و اشتغال، برقراری ارتباط با دیگران، زندگی جمعی، آموزش و استراحت و آرامش از جمله این نیازهاست (شافر، ۱۳۶۸)

افراد متمکن روستایی و گاه به‌دست‌سازمان‌های مسئول روستایی با هدف کاهش نابرابری‌های اجتماعی و اقتصادی بین شهر و روستا و پیشگیری از مهاجرت‌های روستایی یا مقاوم‌سازی مسکن روستایی در برابر حوادث طبیعی انجام می‌گیرد.

اگرچه روستاها هیچ‌گاه مصون از تحول نیستند و این‌گونه فعالیت‌های عمرانی، اقدامات شایسته‌ای در روستاهاست و می‌تواند در بهسازی بافت‌های روستایی مؤثر واقع شود و نابرابری‌های اقتصادی و اجتماعی موجود بین شهر و روستا را کاهش دهد، ولی گاه دیده می‌شود این فعالیت‌های عمرانی بدون توجه به شرایط جغرافیایی، فرهنگی و فعالیت‌های اقتصادی روستایی‌ها انجام می‌گیرد، به‌طوری‌که روستایی و خانواده‌اش از زندگی و فعالیت در مسکن جدید که به تبعیت از الگوهای شهری ساخته می‌شوند، رضایت ندارند. در واقع، نزدیک‌سازی مورفولوژی روستایی به مورفولوژی شهری به جهت نوع کارکردی که خانه‌های روستایی دارند، کار درستی نیست. مهم‌ترین تغییراتی که شهری‌سازی اشاره شده در روستاهای کشور پدید می‌آورد، یکی تنوع در معماری و نیز مصالح ساختمانی و دیگری تغییر در کارکردهای اقتصادی - تولیدی آن‌هاست.

در این مقاله به آثار این تغییرات در روستاهای مناطق خشک می‌پردازیم. مقصود از مناطق خشک، مناطقی است که بارندگی در آن‌ها کم (۲۵۰ - ۱۰۰ میلی‌متر)، نامنظم، در سال‌های مختلف متغیر و اغلب شدید و به‌صورت رگبار است و به‌علت گرما و خشکی هوا میزان تبخیر و تعرق بیشتر از بارندگی سالانه خواهد بود (گروه مؤلفان، ۱۳۸۸: ۴۳-۴۴)

در ایران، این‌گونه روستاها بیشتر در نواحی مرکزی و شرق کشور، در حاشیه یا در دل کویرها و بیابان‌ها قرار دارند.

تغییر در معماری و مصالح مسکن روستایی

یکی از جنبه‌های خیلی محسوس در مسکن روستایی، که در روند شهرسازی به‌وجود می‌آید، تغییر در شیوه معماری و مصالح خانه‌های روستایی است. اگرچه برخی از جغرافی‌دانان مانند ماکس دروئو^۱ بر این باورند که همه چیز در خانه [روستایی] بیانگر انطباق و سازگاری کامل با ضروریات و الزامات یک نقش نیست و در یک خانه اغلب شیوه‌هایی بسیار گوناگون در سازگاری با اهداف مورد نظر وجود دارد (دروئو، ۱۹۹۱: ۳۱۸)، اما بیشتر جغرافی‌دانان در بررسی [معماری خانه‌های روستایی] بیش از همه مفتون سازگاری خانه با الزامات محیط طبیعی (برای مثال شرایط آب‌وهوایی) و نظام

بهره‌برداری هستند (دروئو، ۱۹۹۱: ۳۱۸).

اندیشه سازگاری خانه با محیط طبیعی از جمله مسائلی است که همواره ذهن سازنده خانه روستایی را مشغول می‌کند. این دل‌مشغولی از یک سو به منظور مقابله با شرایط آب‌وهوایی محیط خارج و از سوی دیگر به‌منظور تقلیل هزینه‌ها و کاستن از زحمات احداث بنا انجام می‌گیرد (دروئو، ۱۹۹۱: ۳۱۹).

موضوع سازگاری خانه با شرایط محیط در روستاهای مناطق خشک کشور نیز همواره از جمله دل‌مشغولی‌های اهالی روستا در ساختن خانه‌های سنتی بوده است. در این نواحی در گذشته معماری، جنس، رنگ و مصالح ساختمانی به گونه‌ای انتخاب می‌شد که متناسب با شرایط محیطی (گرما، نور، باد و گرد و خاک) باشد و به همین جهت در تأمین آسایش ساکنان آن تأثیر بسزایی داشت. معمولاً در این نواحی، مصالح بیشتر بناها به علت فراوانی خاک، گل و خشت بود و دیوارها ضخیم و سقف منازل گنبدی‌شکل ساخته می‌شد. دیوارهای ضخیم موجب می‌شد ساکنان این‌گونه سکونتگاه‌ها در زمستان از سوز سرما و در تابستان از تابش گرما در امان باشند. سقف گنبدی‌شکل نیز در تابستان دو حسن داشت: نخست اینکه در طول روز خورشید به نیمی از سقف نمی‌تابید، در نتیجه داخل سکونتگاه کمتر گرم می‌شد؛ دوم اینکه سبب می‌شد ارتفاع بنا از داخل افزایش یابد و هوا در آن به‌راحتی جریان داشته باشد و داخل بنا خنک شود. همچنین در زمستان سبب می‌شد ریزش‌های جوی، که اغلب به شکل باران است، روی بام‌های کاه‌گلی، نفوذ کمتری داشته باشد و سریع‌تر به پایین جاری شود.



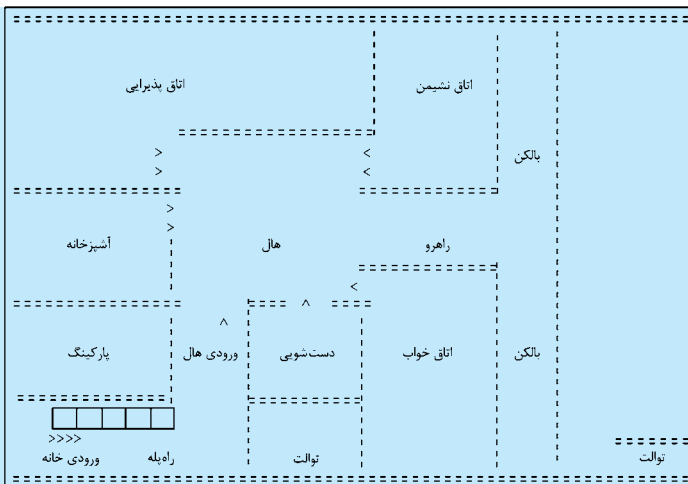
شکل ۱: عکس روستای محمداًباد، قمرود از توابع بخش مرکزی قم (بافکار، ۱۳۸۹)

همچنین در این نواحی فرم پلان‌ها^۲ فشرده بود تا در تابستان، سطوح کمتری در مقابل نور خورشید قرار گیرند. جهت قرار گرفتن بناها بیشتر رو به جنوب و جنوب‌شرقی بود تا بنا در زمستان بیشترین انرژی را از خورشید دریافت کند.

امروزه متأسفانه در کنار آن معماری آگاهانه، شاهد ظهور معماری جدیدی هستیم که متناقض با شرایط محیطی است. در معماری جدید که برگرفته از مورفولوژی شهری است، از بتون، بلوک سیمانی، آهن، آجر و... فراوان استفاده می‌شود. ولی باید در نظر داشته باشیم که حتی ساختمان‌های شهری مناطق خشک نیز در گذشته

امروزه متأسفانه در کنار آن معماری آگاهانه، شاهد ظهور معماری جدیدی هستیم که متناقض با شرایط محیطی است. در معماری جدید که برگرفته از مورفولوژی شهری است، از بتون، بلوک سیمانی، آهن، آجر و... فراوان استفاده می‌شود. ولی باید در نظر داشته باشیم که حتی ساختمان‌های شهری مناطق خشک نیز در گذشته به تبعیت از شرایط اقلیمی ناحیه بنا می‌شدند!

کشور ما نشان می‌دهد. با دقت در این پلان و متعلقات آن می‌توان دریافت که این خانه روستایی دارای دو کارکرد سکونتی و اقتصادی - تولیدی است که در اغلب روستاهای مناطق خشک این کارکردها وجود دارد. وجود اتاق نشیمن، آشپزخانه، توالت و چاه آب، جملگی بیانگر نقش مسکونی آن است و وجود بخش‌هایی مانند حصار حیوان، مرغدانی، کارگاه قالی بافی، دستتون (انبار) و باغچه، بیانگر کارکرد اقتصادی - تولیدی بودن مسکن روستایی است. بی‌گمان «این خانه‌ها برای سکنة خود فضای لازم را برای کار و زندگی، انبار کالا، آذوقه، نگهداری دام، ارتباط و تبادل نظر، اجرای مراسم مذهبی و خانواده‌گی و ... مهیا می‌سازند» (سعیدی، ۱۳۷۷: ۷۵).



شکل ۲: برش افقی یک خانه روستایی در منطقه ابوزیدآباد کاشان (اقتباس از بهروز، ۱۳۷۴: ۲۵۵).

متأسفانه باید گفت که با گسترش معماری شهری در روستاهای این مناطق و گسترش بخش‌های مسکونی به‌طور آشکار کارکرد اقتصادی - تولیدی خانه‌های روستایی کمرنگ یا حذف می‌شوند. به‌ویژه اگر روستاها بزرگ شوند و خیابان‌کشی و فضای سبز داشته باشند، به شهر تبدیل می‌شوند و شهرداری‌ها به روستایی که شاید تنها راه درآمدشان دام و فرآورده‌های دامی است اجازه دامداری نمی‌دهند؛ در حالی که این‌گونه شهرها «روستا شهر» به‌شمار می‌آیند و کارشان وابسته به زراعت و دامداری است. شکل ۳ نمایی از خانه شهری شده روستایی را در یکی از مناطق خشک کشور نشان می‌دهد

به تبعیت از شرایط اقلیمی ناحیه بنا می‌شدند! این خانه‌ها به‌ویژه آن‌هایی که با بلوک‌های سیمانی بنا می‌شوند و سیمان زیاد در آن‌ها به کار می‌رود و روکش سیمانی دارند یا به جای کاه‌گل از گچ و خاک بر آستر دیوارهای داخلی و خارجی استفاده می‌شود و خانه‌هایی که برای آن‌ها ایوان و سایبان در مقابل درب‌ها و شیشه‌ها ساخته نمی‌شود یا روی پشت‌بام‌ها قیر گونی می‌شود، آن‌چنان در تابستان گرم می‌شوند که اغلب نه‌تنها در روز قابل استفاده نیستند که حتی تا نیمه‌های شب دیوارها و هوای داخل آن‌ها گرم و غیر قابل تحمل است.

باریک بودن دیوار و کوتاه و مسطح بودن سقف خانه‌ها در شرایط آب‌وهوایی مناطق خشک از عوامل دیگر گرم‌تر شدن هوا در داخل ساختمان در فصول گرم سال است. پنجره‌های بزرگ و وسیع و درب و پنجره‌های آهنی هم بیشتر به گرم شدن هوای خانه‌های روستایی مناطق خشک در تابستان و سردتر شدن آن در زمستان کمک می‌کنند (کردوانی، ۱۳۷۲: ۱۵۳-۱۵۴).

تغییر در کارکردهای سکونتگاه‌های روستایی

یک سکونتگاه روستایی ممکن است کارکردهای متعددی داشته باشد، مانند کارکرد سکونتی، اقتصادی - تولیدی، خدماتی - بهداشتی، استراحتگاهی - ارتباطی و ... نوع کارکرد هر سکونتگاه روستایی، نقش تعیین‌کننده‌ای در تعیین وسعت، شکل ظاهر و کالبد آن روستا دارد. مقصود از کارکرد سکونتگاه «وظیفه، ساختار و علت وجود یک سکونتگاه توأم با یکدیگر است» (سعیدی، ۱۳۷۷: ۱۰۳).

کارکرد اساسی سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان کانون‌های زیستی، برآوردن نیازهای اساسی زندگی است. مسکن‌گزینی، فعالیت و اشتغال، برقراری ارتباط با دیگران، زندگی جمعی، آموزش و استراحت و آرامش از جمله این نیازهاست (شافر، ۱۳۶۸).

بررسی نقش و وظایف مسکن روستایی، تأسیسات و متعلقات ساختمان بیانگر نقش عملکردی مسکن روستایی در ارتباط با حیات اقتصادی در زندگی روستایی است (بهروز، ۱۳۷۴: ۲۵۲).

اگرچه نوع آرایش درونی مسکن روستایی در سراسر جهان باتوجه به شرایط جغرافیایی ناحیه‌ای به‌طور عمده با یکدیگر متفاوت است، ولی مسکن روستایی «به‌عنوان ابزار کار دهقان تعریف می‌شوند. آدر حقیقت [خانه روستایی نه‌تنها سرپناهی برای کشاورز، بلکه مکانی برای نگهداری فرآورده‌های کشاورزی، حفظ عوامل جاندار کار (دام) و استقرار ملزومات و ادوات کشاورزی و محل انجام فعالیت‌های مکمل آن نیز هست» (دروئی، ۱۹۹۱: ۳۱۸).

تهیه و ترسیم طرح‌هایی با برشی افقی از مسکن روستایی معمولاً گویاترین و بهترین روشی هستند که می‌توانند به‌سادگی خصوصیات فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی ساکنان و کارکرد هر روستا را مشخص کنند. در واقع هر بخش از یک مسکن روستایی دارای وظیفه یا نقشی است که از طریق این طرح‌های ساده می‌توان آن‌را بازخوانی کرد (بهروز، ۱۳۷۴: ۲۵۲).

شکل ۲ نمای درونی یک خانه روستایی را در مناطق خشک

که به سادگی گویای این مطلب است.

از اماکن مربوط به بهره‌برداری، وجهه شهری به خود می‌گیرند (دروئو، ۱۹۹۱: ۳۱۳) که در این صورت، باز مسائل و مشکلات خاص خود را خواهند داشت.

مشکل تفکیک محل سکونت از محل دامداری و مرغداری

اگر محل سکونت روستایی از محل دامداری یا مرغداری جدا باشد، فرد روستایی بین محل زراعت، دامداری و مرغداری و محل سکونت مدام در رفت‌وآمد خواهد بود. برای مثال، روستایی باید از دام خود (گاو و گوسفند) یا مرغ خود نگهداری کند، به آن‌ها آب و علف یا دانه بدهد و آن‌ها را از هجوم جانوران و سرقت حفظ کند. همچنین درباره دام‌های شیری هر روز باید دو بار آن‌ها را بدوشد که این وظیفه بیشتر بر دوش زن خانواده است. چگونه روستایی هر روز دو بار بین محل دام و سکونت رفت‌وآمد کند؟ با چه وسیله‌ای این کار را انجام دهد؟ چگونه شیر دوشیده‌شده را به محل سکونت خود حمل کند؟ (کردوانی، ۱۳۷۲: ۱۴۲).

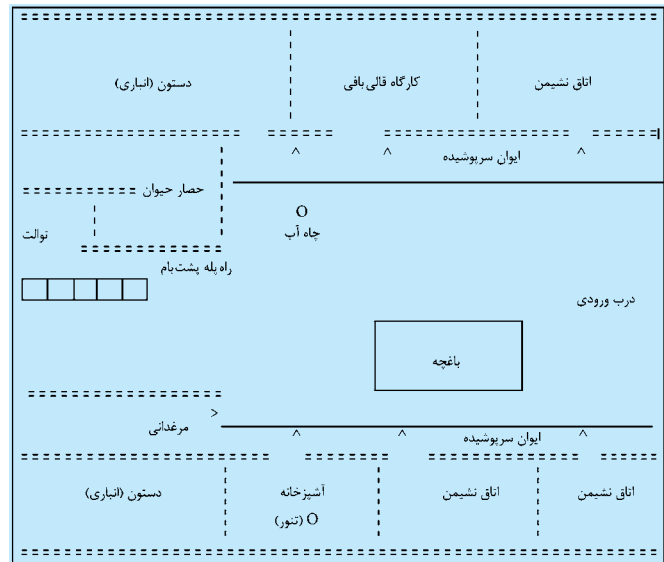
افزون بر این، نگهداری دام به دور از محل سکونت، بهره‌وری اقتصادی کمتری برای روستایی خواهد داشت، زیرا اگر دام در روستا بود، روستایی از هر فرصتی که به دست می‌آورد، خوراک دام را با گیاهان خودروی کنار مزارع و باغ‌های روستا فراهم می‌کرد یا مازاد مواد غذایی و مواد زائد مصرفی را جلوی دام می‌ریخت. ولی با تفکیک محل سکونت روستایی از محل دام، کمتر برای او چنین فرصت‌هایی پیش می‌آید؛ در نتیجه مجبور است مدام با هزینه خود، به دام‌ها علف دهد، که در این صورت نگهداری دام به صرفه نخواهد بود. البته ممکن است روستایی برای مدت کوتاهی به‌ویژه در روزهای اول، از جدایی محل سکونت و دامداری و مرغداری رضایت داشته باشد، ولی با گذشت زمان و بروز مشکلات متعدد، او و خانواده‌اش از رفت‌وآمد خسته خواهند شد و با تمام علاقه‌ای که به نگهداری دام و طیور دارند، مجبور خواهند بود از نگهداری آن‌ها صرف‌نظر کنند. در این صورت به اقتصاد و تغذیه سالم خانواده روستایی لطمه وارد می‌شود و کم‌کم روستایی تولیدکننده به روستایی شهرگرای مصرف‌کننده تبدیل خواهد شد.

البته مشکلات روستایی‌ها در خانه‌های جدید محدود به فعالیت‌های مکمل و جنبی، مانند دامداری، مرغداری و کارگاه‌های صنایع دستی نیست، بلکه در فعالیت اصلی خود، یعنی زراعت هم مشکلاتی دارند و آن، مشکل انبار است.

مشکل انبار

در خانه‌های سنتی، روستایی بخش‌هایی از خانه اختصاص به انبار آذوقه، علوفه، بذر یا ادوات کشاورزی دارد. چون کشاورز پس از برداشت محصول (گندم، جو، یونجه، کاه و ...) بخشی از آن را به عنوان بذر یا خوراک دام نگهداری می‌کند و برای اینکه از آفات، آتش‌سوزی و سرقت در امان باشد، آن را در انبار منزل ذخیره می‌کند. ولی در خانه‌های جدید که به سبک خانه‌های شهری ساخته می‌شوند چنین

همچنین موضوعی که نباید در زمینه دام روستایی نادیده گرفت، اهمیت دام در بهره‌برداری‌های زراعی کوچک است. در بهره‌برداری‌های کوچک و سنتی که در حال حاضر اکثریت دارد، دام، یار و یاور روستایی بعد از خداست... به همین جهت، در گذشته، در بیشتر روستاها محل زندگی دام و انسان با هم بوده است و هنوز هم در بعضی از روستاها این وضع به چشم می‌خورد (آسایش، ۱۳۷۴: ۱۸۸).



شکل ۳. نمای درونی یک خانه روستایی شهری شده در علاء سمنان (اقتباس از: سعیدی، ۱۳۷۸: ۸۰)

بنابراین محیط روستا باید «به خانواده روستایی این امکان را بدهد تا ضمن تأمین احتیاجات روزمره خود از فرآورده‌های زراعی و دامی، با انجام کارهای جنبی که درآمدهای قابل توجهی دارند، زمینه اشتغال سالم اعضای خانواده فراهم شود. در واقع یکی از عوامل مؤثر در جلوگیری از مهاجرت روستایی‌ها به شهرها، تجهیز کردن خانه‌های روستایی به امکاناتی از قبیل دامداری، مرغداری، کارگاه صنایع دستی نظیر قالی‌بافی و ... است که اگر با فراهم شدن برخی عوامل دیگر از جمله برق، آب لوله‌کشی، گاز و تلفن، مدرسه و بهداشت، صنایع تبدیلی کوچک همراه باشد، ساکنان این گونه روستاها انگیزه‌ای برای مهاجرت نخواهند داشت (کردوانی، ۱۳۷۲: ۱۵۲ با اندکی تغییر).

به بیان دیگر، انجام فعالیت‌های مکمل به چند علت در کنار فعالیت‌های زراعی برای روستایی‌ها لازم است. نخست به جهت خودکفایی در تأمین مواد غذایی و مصرفی خود، دوم به دلیل افزایش درآمد و سوم به جهت رفع بیکاری فصلی. بی‌گمان بیشتر خانه‌های روستایی جدید که به سبک خانه‌های شهری شیک و مدرن ساخته می‌شوند به دلیل نداشتن امکانات جنبی، نمی‌توانند پاسخ‌گوی نیازهای روستایی‌ها باشند. البته ممکن است بگویند، در این روستاها محل سکونت از محل فعالیت‌های اقتصادی تفکیک شده است، ولی در پاسخ باید گفت: «خانه‌های روستایی با جدا کردن محل سکونت

فضاهایی دیده نمی‌شود. در نتیجه، روستایی به اجبار از مکان‌هایی مانند زیرپله، دست‌شویی و توالت که در ساختمان‌های جدید در داخل ساختمان ساخته می‌شوند و روستایی به استفاده از آن‌ها عادت ندارد، به‌جای انباری استفاده می‌کند؛ درحالی‌که همین توالت راروستایی در خانه‌های سنتی با یک فاصله منطقی دورتر از اتاق‌های مسکونی معمولاً پشت خانه یا نزدیک بهار بند و طویله می‌ساخت تا اهل خانه از بوی زنده آن اذیت نشوند.

نتیجه‌گیری و پیشنهاد

باتوجه به آنچه گذشت، می‌توان گفت تغییرات انجام گرفته در بیشتر ساخت‌وسازهای خانه‌های روستایی در مناطق خشک کشور، نه‌تنها متناسب با شرایط جغرافیایی این مناطق نیست، بلکه با ویژگی‌های فرهنگی و اقتصادی ساکنان منطقه نیز تناسبی ندارد. با این حال نباید انتظار داشت با تحولاتی که در جامعه جهانی در حال انجام است، روستاهای کشور از تحول باز بمانند، چنان‌که خانه‌های روستایی دست‌کم در کشورهای توسعه‌یافته، گرایش به هم‌شکل شدن دارند. برای مثال، در انگلستان و ایالات متحده آمریکا دیگر نمی‌توان از انواع ناحیه‌سختی به‌میان آورد، زیرا تسهیلاتی که امر حمل‌ونقل در نواحی پدید آورده، نوع خاصی از خانه‌ها را براساس الگوهای یکسان رواج بخشیده است؛ خانه‌هایی که تفاوت‌ها و تمایزات آن‌ها تنها مربوط به وجوه غیر اساسی آن‌هاست. مزرعه آمریکایی^۶ با حیاط باز که در آن سکونت از محل کار جداست و انبار غله و کاهدان و انبار ملزومات وسعتی فوق‌العاده به‌خود می‌گیرد، مفهوم جغرافیایی متفاوتی را با فلان حومه‌شهری نشان نمی‌دهد (دروئو، ۱۹۹۱: ۳۳۲ با اندکی تغییر).

اگرچه ویژگی‌های جغرافیایی، فرهنگی و اقتصادی و امکانات روستاهای آمریکایی و اروپایی به‌هیچ‌وجه قابل مقایسه با روستاهای کشور ما نیست، ولی بهتر است موضوع ساخت خانه‌های جدید روستایی با جدیت دنبال شوند. آنچه در این‌باره مهم می‌نماید، این است که احداث خانه‌های جدید باید به‌گونه‌ای باشد که روستایی و خانواده‌اش در آن هم احساس آرامش داشته باشند و هم بتوانند به فعالیت‌های مکمل و جنبی که از نظر اقتصادی برایشان مهم است بپردازند. دکتر کردوانی در این‌باره می‌نویسد: «می‌دانیم که خانه‌های روستایی، به‌ویژه آن‌هایی که در کنار محل نگهداری دام (آغل) هستند از لحاظ بهداشتی و حتی مقاومت در برابر حوادث طبیعی از قبیل زلزله و ... عیب و نقص‌هایی دارند. اما با آموزش و راهنمایی روستایی‌ها و دادن امکانات به آن‌ها می‌توان در بهداشتی و سالم نگهداشتن محیط به میزان قابل توجهی کمک کرد، به‌طوری‌که روستایی هم خانه بهداشتی داشته باشد و هم از محیط‌کار و فعالیت پردرآمد برخوردار باشد که ایده‌آل او در جامعه روستایی است» (کردوانی، ۱۳۷۲: ۱۵۳).

البته در کنار این اقدامات از تولیدات فناوری در بخش زراعت و دامداری هم نباید غافل بود. امروزه «با قبول هزینه‌های اندک می‌توان ماشین‌آلات کشاورزی را در زیر سایبان‌های فلزی قرار داد که به تدریج

جای انبارهای واحد دیوار را می‌گیرند. از سوی دیگر، ماشین‌های درو، خرمن‌کوب و پرس، روستایی را از احداث و بهره‌برداری از انبارهای بزرگ معاف می‌دارد، زیرا کاه و یونجه را به‌صورت فشرده درمی‌آورند که نیاز کمتری به انبار کردن آن‌ها احساس می‌شود. شیوه خشک کردن علوفه در چراگاه‌ها بش از پیش منسوخ شده و علوفه را از این پس در سیلو نگهداری می‌کنند. این سبب شده است تا در روستاها به احداث نوعی سیلوی ابتدایی اقدام نمایند. همچنین می‌توان از آغل‌ها، آخورها و انبارهای پیش‌ساخته برای نگهداری آزادانه دام استفاده کرد که مقرون به صرفه است و فضای کمتری را اشغال می‌کنند (دروئو، ۱۹۹۱: ۳۳۲ با اندکی تغییر).

بنابراین به‌نظر می‌رسد به‌کارگیری یک روش تلفیقی در ساخت‌وساز مساکن روستایی تا حدود زیادی مشکلات فعلی ساخت‌وساز روستایی را رفع خواهد کرد. در این زمینه شاید بهتر باشد که برای ساخت بخش مسکونی خانه‌های روستایی رویکردی سنتی داشت، یعنی ضمن در نظر گرفتن معماری مناطق خشک از مصالح مقاوم برای سفت‌کاری بنا استفاده کرد و هم‌زمان از مصالح سنتی مانند آجر بندکشی‌شده برای حیاط، پشت‌بام و نمای ساختمان بهره گرفت. همچنین برای بخش‌های جانبی مانند انبار و آغل، می‌توان از محصولات و تولیدات فناوری‌های جدید، در روستاها بهره گرفت که هم بهداشتی و هم کم‌جاگیر و مقرون به صرفه‌اند.

پی‌نوشت‌ها

1. Urbanization
2. Morphology
3. Ruth Class
4. Max derraw
5. Plan
6. Farm

منابع

۱. آسیایش، حسین، اقتصاد روستایی، چاپ اول، تهران: پیام نور، ۱۳۸۴.
۲. بافکار، حسین، پژوهش «بررسی توانمندی‌ها و محدودیت‌های دریاچه و محدوده حوض سلطان»، قم: واحد آموزش و پژوهش صدا و سیمای استان، ۱۳۸۹.
۳. بهروز، فاطمه، زمینه غالب در جغرافیای انسانی، چاپ اول، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، ۱۳۷۴.
۴. دروئو، ماکس (۱۹۹۱)، جغرافیای انسانی، ترجمه سیروس سهامی، چاپ اول، تهران: رایزن، ۱۳۷۴.
۵. سعیدی، عباس، مبانی جغرافیای روستایی، چاپ اول، تهران: سمت، ۱۳۷۸.
۶. شافر، فرانتس، «درباره مفهوم جغرافیایی»، ترجمه عباس سعیدی، رشد آموزش جغرافیا، سال پنجم، شماره ۱۸، ۱۳۶۸.
۷. فشارکی، پریدخت، مبانی جغرافیای روستایی عمومی، چاپ اول، تهران: پیام نور، ۱۳۷۰.
۸. کردوانی، پرویز، جغرافیای مناطق خشک، چاپ اول، تهران: پیام نور، ۱۳۷۲.
۹. گروه مؤلفان، جغرافیا (سال دوم متوسطه)، چاپ یازدهم، تهران: شرکت چاپ و نشر کتاب‌های درسی